



مقدمه

امام هادی (علیه السلام) دهمین رهبر آسمانی است که از سوی پیامبر گرامی (صلی الله علیه وآله) برای اداره امور امت اسلامی معرفی شده است. از نگاه پیروان اهل بیت (علیهم السلام) امامت و رهبری جامعه تا دوازده نسل بر اساس فرمان الهی و پیامبر (صلی الله علیه وآله) و امامان قبلی تعیین و به جامعه معرفی شده اند، در این زنجیره نورانی امام علی النقی معروف به امام هادی و ابوالحسن ثالث دهمین خورشید هدایت امت اسلامی است.

این رهبر بزرگوار، فرزند امام جواد (علیه السلام) نوه امام رضا (علیه السلام) است که در روستایی از اطراف مدینه به نام «صریا» به دنیا آمد. مادرش کنیزی با فضیلت و پارسا بود که سمانه نام داشت.

تاملی در معنی و مفهوم «هادی» که معروف ترین لقب آن بزرگوار است، بسیاری از حقایق را روشن می سازد. هدایت در کتب لغت دو معنای «ارائه طریق» و «رساندن به مقصد و مطلوب» را در بردارد. و معمولاً در ارائه راه مطلوب و مثبت به کار می رود.

در فرهنگ قرآن و عترت هدایت و هادی، بار مفهومی و معنایی بسیار عمیق تر از رهنمای جغرافیایی دارد. شناخت راه، شناخت مقصد، شناخت امت و کاروانیان همراه، شناخت موانع و مشکلات مسیر، شناخت دزد ها و گردنه ها، ایجاد انگیزه برای حرکت، دمیدن روح استقامت در رهروان، حفظ اتحاد و هماهنگی کاروان، حمایت و حفاظت از جان و مال و حقوق کاروانیان وظیفه دلیل و رهنمای کاروان و بخشی از مفهوم «هادی» در فرهنگ اسلامی است.

امام هادی، حضرت علی بن محمد النقی و معروف به ابن الرضا (علیه السلام) خورشید نورافشانی بود که از سالهای 220ق تا سال 254 رسالت رهبری و هدایت امت بزرگ اسلامی را بر دوش داشت و حدود سی و چهار سال ناخدای کشتی اسلام در میان امواج وحشتناک عصر عباسی بود.

آن بزرگوار در تاریک ترین روزگار سلطه اشراک به زندگی بشریت نور و گرمی بخشید و در دشوارترین شرایط فرزندان پیامبر و قرآن را حمایت و سرپرستی کرد.

هادی آل محمد (علیه السلام) هم قبله را به خوبی می شناخت، هم قبیله را، هم مردم را، هم مردان ساحت سیاست را، او راه دست یابی به مقام قرب خدا را از اولیای او آموخته بود. از حيله ها و نیرنگ ها و مطامع و خواسته های دشمنان توحید و عدالت آگاه بود. او ضعف ها و کمبود ها و جهل و غفلت عمومی و بیماری انسانهای عصر خویش را به خوبی می شناخت. قربانیان بیماری های اجتماعی را می دید و از درد و رنج و مشکلات زندگی مردم می سوخت. پزشکی بود که با مریض به خوبی آشنا و مهربان بود. آفات و آسیب ها و خطر ها و بیماری ها مسلمانان و نامسلمانان را به خوبی تشخیص می داد. او در حدود چهل و یک سال زندگی و سی و چند سال رهبری، بر آسمان زندگی بشریت فروغ هدایت پاشید و خورشیدوار گمشدگان وادی غفلت و حیرت و گرفتاران کویر شرک و بیداد را رهایی بخشید. در روزگاری که جهل و غفلت عمومی از یک سو و شهوات و شبهات حکومتی از سوی دیگر، فضای زندگی را از ظلمت و ظلم پر کرده بود و به دست گرفتن شمعی کوچک هم، گناهی بزرگ تلقی می شد، هادی امت، خورشیدوار بر آفاق زندگی بشریت تابیدن گرفت و بشریت مظلوم و حق طلب را از افتادن در پرتگاه هواپرستی و جهالت و چاهسار بیداد و کفر و شرک و نفاق مصون داشت.

انواع و ابعاد هدایت

هدایت در برابر شبکه جهانی شرک.

هدایت از میان امواج متراکم کفر.

هدایت در برابر دام و دانه منافقان و عالمان درباری.

هدایت در برابر سلطه سازمان یافته ظلم و بیدادگری.

هدایت در برابر طوفان و گردباد اختلافات فکری و فرهنگی.

هدایت امت نسبت به تأمین آبرومندانه نیازهای زندگی.

هدایت در برابر هجوم حمایت شده فساد اخلاقی.

هدایت در برابر وسوسه های درونی و نیازهای عزیزی.

و در یک سخن نجات بشریت از ظلمات به سوی نور، رسالتی سنگین و دشوار است، که همیشه بر دوش پیامبران الهی و رهبران آسمانی قرار داشته و دارد و این وظیفه الهی و قدسی در عصر سیاه متوکل عباسی بر دوش امام هادی (علیه السلام) قرار داشت.

هادیان الهی، از یک سو به هدایت و رهایی ملت ها می اندیشند، از سوی دیگر به هدایت دولت ها. هم به مردم فکر می کنند، هم به مردان صحنه سیاست و مدیریت. هم گروه های و اصناف اجتماعی را در مدّ نظر دارند. هم افراد و اشخاص را، هم به نسل حاضر می اندیشند و هم به آینده امت می نگرند.

برای آنان یک انسان هم مهم است و هدایت او با احیای بشریت برابری می کند. امنیت و عدالت و سلامت و سعادت، حق همه است، حتی که خداوند قرار داده است و امام مرزبان «حدود و حقوق الهی» است رهبری با این نگاه - که به «کرامت انسان» می اندیشد و پاسداری از حق و عدل را وظیفه خویش می داند و «عرفان الهی» و

«اخلاق ملکوتی» را قلّه های پرواز جامعه می شناسد - دشوارترین مسئولیت است.

عصر هادوی

رهبری و امامت همیشه رسالتی سنگین است که آسمان و زمین و کوه ها از تحمل آن می گریزند و تنها فرزندان فاطمه و آموزش دیدگان مدرسه علوی (علیه السلام) با حول و قوه الهی می توانند، این بار امانت را بر دوش کشند. عصر امام هادی (علیه السلام) عصر دشواری است که نمرود ردای ابراهیم (علیه السلام) بر تن دارد و فرعون عصای موسی به دست گرفته است. ابوسفیان در جایگاه پیامبر نشسته و یزید ندای توحید و اخلاق بر می آورد. هدایت امت در این شرایط که اتحاد زر و زور و تزویر بر کرسی رهبری نشسته چقدر دشوار است. عباسیان به بهانه وابستگی به پیامبر (صلی الله علیه وآله) بر کرسی خلافت نشسته اند و خلافت و حکومت و دولت ابزاری برای بهره کشی از مردم و غارت «جان» و «مال» و «نوامیس» محرومان شده است. متوکل کاخهای متعدد می سازد، کاخ شاه، کاخ عروس، کاخ شبداز، کاخ بدیع، کاخ غربت، کاخ برج که هفتصد هزار دینار فقط هزینه ساخت، کاخ برج شده است. (1)

متوکل دوازده هزار کنیز در کاخ خود دارد وقتی برای پسرش «عبدالله معتز» جشن ختنه سوران می گیرد فرشی با یکصد ذراع طول با عرض پنجاه ذراع آماده می شود، چهار هزار صندلی از طلا و مرصع به جواهر در تالار قصر می چیند و بیست میلیون درهم برای نثار بر سر خدام و حاشیه نشینان فراهم می آید و غارت بیت المال به اوج می رسد. (2)

میگساری و فسق و فجور و رقص و موزیک بر کاخ ها و درباریان حاکم است و فقر و شمشیر و توهین و تحقیر بر توده های مردم و بالاترین فشار ها و زندان و تبعید و فرار و اعدام و تعقیب علویان و فرزندان فاطمه (س) را تهدید می کند

متوکل، شخصی به نام عمر بن فرج رَحْجی را والی مکه و مدینه کرده بود و او مردم را از هر گونه احسان و نیکی به آل ابوطالب منع می کرد و هر کس با آنان مهربانی می کرد، مورد تعقیب و آزار قرار می گرفت. به حدّی کار بر بانوان علوی سخت شد که لباس درستی نداشتند که در آن نماز بخوانند. تنها یک پیراهن مناسب برای نماز در دست آنان بود که به نوبت در آن نماز می خواندند. ولی پس از نماز آن را در می آوردند و به همان جامه های کهنه و بدون جامه به چرخ ریزی می پرداختند. (3)

در این دوران سخت جاهلیت عباسیان - روزگار متوکل - دوباره دنیا بر مدار کفر و مراد جور می گردد. شمشیرهای دفاع از اسلام و اهل بیت (علیه السلام) شکسته، و حلقوم ها بریده و دارها برچیده و خون ها شسته اند. و بر مزارآباد شهیدان و قبرستان سرد و ساکت زندگان، شب سیاه هراس و خفقان سایه افکنده و وای جغدی هم به گوش نمی رسد.

جاهلیت جدید عصر بنی عباس، سیاه تر و وحشی تر و سنگین تر از طغیان طاغوت های اموی است در این فضای سرد و یاس و طوفان بیم و هراس، باز هم مردی از مدینه النبی (صلی الله علیه وآله) تا بغداد و سامرا، مشعل امید و روشنایی و بیداری و قیام و آزادی در دست دارد. او امام هادی (علیه السلام) است که ردای پیامبر

بر دوش و فریاد علی و فاطمه (سلام الله علیها) در گلو و دانش قرآن در سینه و عشق و آزادی مسلمانان در سر، چه کسی جز او می تواند در برابر اقتدار کفر و بیداد و جاذبه های فسق و فجور از فریاد قرآن و آزادی انسان حمایت کند.

رسالت بزرگ

رسالت بزرگ پاسداری از همه ارزش ها در برابر هجوم بی مرز بر دوش فرزند رشید امام جواد (علیه السلام) و نوه خورشید خراسان، ابن الرضا (علیه السلام)، حضرت امام هادی (علیه السلام) است.

پاسداری از کتاب هدایت و نور، پاسداری از فطرت سلیم و پاک انسانی، پاسداری از نیروی عقل و خردورزی، پاسداری از میراث گرانبهای حدیث نبوی (صلی الله علیه وآله) پاسداری از رهنمودها و دستاوردهای اوصیای پیشین رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و انتقال کامل این معارف به جامعه برنامه زندگی امام هادی (علیه السلام) است.

امام نقش رساندن پیام قرآن به گوش عصرها و نسل ها را بر عهده دارد، ولی در میان هلهله مستانه و طبل و کرناى ارتش خونریز متوکل و موسیقی مدام خنیانگران و رقاصگان و چشن و پایکوبی و بازی ها، مسابقات و جشن های هزار و یک شب عباسیان، چگونه قرآن تلاوت کند و در کجا تفسیر قرآن بگوید و چگونه جامعه را به شناخت و احیای سنت های نبوی فراخواند.

امام از هشت سالگی رسالت بزرگ رهبری امت را بر دوش گرفته است، ولی از همان آغاز به بهانه تربیت و آموزش در خانه ای در صریا اطراف مدینه تا حدود 13 سالگی تحت نظر قرار می گیرد و سپس در تبعید گاه سامرا 20 سال رایت نورانی امامت را برافراشته نگه می دارد.

ده سال با معتصم برادر مأمون

ده سال در عصر واثق پسر معتصم.

و حدود 16 سال با متوکل - دژخیم ترین غده بدخیم در روزگار امام.

6 ماه با منتصر پسر متوکل

4 سال با مستعین پسر عموی منتصر

و 3 سال با معتز پسر متوکل معاصر است.

ویژه نامه امام هادی (علیه السلام) که حرفی از هزاران و قطره ای از اقیانوس ارزش ها، اندیشه ها، و اخلاق و رفتار آن بزرگوار است به همین امید فراهم آمد که ما را بیشتر با سیمای آسمانی او آشنا کند و در هجوم تاتاروار

مغول های غربی و مزدوران انگلیس و آمریکا به مرقد پاک پیشوایان سامرا، دفاعی فرهنگی از آفتاب سامرا باشد.

صلوات بر امام هادی (علیه السلام)

«بارالها! بر علی بن محمد (امام هادی) درود فرست.

او که جانشین اوصیای پیامبر (صلی الله علیه وآله) و پیشوای پارسایان است.

و جایگزین رهبران دین و حجت بر تمام آفریدگان.

بارالها! همانگونه که او را نوری قرار دادی تا مؤمنان از او فروغ بگیرند. او به پاداش بزرگ تو بشارت داد و از کیفر تو

مردم را بر حذر داشت و آیات تو را یادآور گردید، حلال تو را حلال دانست و حرام تو را حرام شمرد. آئین تو و

واجبات تو را روشن کرد و مردم را به عبادت تو برانگیخت. و به طاعت تو فرمان داد و از معصیت تو بازداشت.

خدایا! بر او درود فرست برترین درودی که بر هر کدام از اولیای خودت و ذریه پیامبرانت می فرستی ای معبود

جهانیان».

در این صلوات که از امام حسن عسکری (علیه السلام) درباره هر کدام از چهارده معصوم نقل شده درباره امام

هادی (علیه السلام) چنین آمده است:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَصِيِّ الْأَوْصِيَاءِ، وَإِمَامِ الْأَثْقِيَاءِ، وَخَلَفِ أَيْمَةَ الدِّينِ، وَالْحُجَّةِ عَلَى الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ،

اللَّهُمَّ كَمَا جَعَلْتَهُ نُورًا يَسْتَضِيُّ بِهِ الْمُؤْمِنُونَ فَبَشِّرْ بِالْجَزِيلِ مَنْ ثَوَابِكَ، وَأَنْذِرْ بِالْأَلِيمِ مَنْ عِقَابِكَ، وَحَذِّرْ بِأَسْكَ،

وَذَكِّرْ بِآيَاتِكَ، وَأَحِلِّ حَلَالَكَ، وَحَرِّمْ حَرَامَكَ، وَبَيِّنْ شَرَايِعَكَ وَفَرَائِضَكَ، وَحَصِّصْ عَلَى عِبَادَتِكَ، وَأَمَرَ بِطَاعَتِكَ، وَنَهَى عَنْ

مَعْصِيَتِكَ، فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ، وَذُرِّيَّةِ أَنْبِيَائِكَ، يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ.»

پی نوشت ها :

1. سیره پیشوایان، ص. 593

2. همان، ص. 594

3. تتمة المنتهى، ص 323.